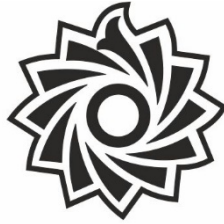


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تربیت مدرس شهید رجائی

من و بیکران طرحی برای زیست اخلاقی

تصنیف:

دکتر عبدالله صلواتی

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس شهید رجائی

سرشناسه	: صلواتی، عبدالله، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: من و بیکران: طرحی برای زیست اخلاقی/تصنیف عبدالله صلواتی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ق، ۲۱۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۸۹-۳۲-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: اخلاق
	: Ethics
شناسه افزوده	: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
شناسه افزوده	: Shahid Rajae Teacher Training University
رده بندی کنگره	: BJ۱۰۳۱
رده بندی دیویی	: ۱۷۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۸۶۵۴۶۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا



دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

عنوان	: من و بیکران طرحی برای زیست اخلاقی
تصنیف	: دکتر عبدالله صلواتی، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
ویراستار ادبی	: عاطفه نجیبی
نوبت چاپ	: اول - بهار ۱۴۰۱
انتشارات	: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
لیتوگرافی، چاپ	: شریف
طراح جلد	: عباس مرادی
ناظر چاپ	: محمد معتمدی‌نژاد
کارشناس چاپ و صفحه‌آرا	: نیره فیروزی
شمارگان	: ۱۰۰ جلد
قیمت	: ۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۸۹-۳۲-۱
	: ISBN: 978-622-6589-32-1

کلیه حقوق این اثر برای مؤلف و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی محفوظ است.

نشانی: تهران، لویزان، کد پستی ۱۵۸۱۱-۱۶۷۸۸، صندوق پستی ۱۶۳ - ۱۶۷۸۵، تلفن: (۲۶۳۲) ۹ - ۲۲۹۷۰۰۶۰،
 تلفکس: ۲۲۹۷۰۰۴۲، پست الکترونیکی: publish@sru.ac.ir، وبسایت: <http://publish.sru.ac.ir>

تقدیم به:

شہریار جهان من، علامہ حسن حسن زاده آملی

پیش‌گفتار

هر روز با پرسش‌های متنوعی روبه‌رو می‌شویم؛ پرسش‌هایی که درباره‌ی درستی و نادرستی اخلاقی رفتارها و واکنش‌ها و رویدادها هستند. این پرسش‌ها در چارچوبی رفتاری باقی نمی‌ماند و به عرصه‌ی درستی و نادرستی اخلاقی سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت‌ها هم قدم می‌نهد. گاهی هم از این فراتر رفته و از معنای درستی و نادرستی و خوبی و بدی و باید و نباید اخلاقی گفت‌وگو می‌کنیم. زمانی هم می‌پرسیم در هنگام تعارضات و تزاخمت رفتارهای اخلاقی چه باید کرد؟ در این حالت باید به کدام رفتار اخلاقی وزن بیشتری داد؟ خوب و بد را من و عقل خود بنیاد می‌تواند تشخیص دهد یا برای تشخیص آن نیازمند به مرجع دیگری هستیم؟ عقل در صدور احکام اخلاق نقش اول را دارد یا نقش مکمل را بازی می‌کند؟ وجه درستی یا نادرستی اخلاقی رفتار را چگونه درمی‌یابیم؟ آیا با آگاهی از فهرست بلندبالای خوبی و بدی زیست اخلاقی خواهیم داشت یا برای زیست اخلاقی به امری بیشتر از فهرست یادشده همانند زمینه‌ها، شرایط، محیط مناسب، الگوی اخلاقی، بصیرت، همکاری میان فضایل و منبع انگیزشی قوی محتاجیم؟ آیا برای سنجش درستی و نادرستی رفتارها تنها باید به امتداد رفتار، یعنی نتایج و پیامدهای آن، نگرینست یا می‌توان فارغ از امتداد رفتار یا افزون بر آن، از درستی و نادرستی رفتار سخن گفت؟ یا در ارزش‌دآوری‌های اخلاقی باید حصر نظر به رفتار و روش کرد یا از خوب و بد بودن آدمی و منش او گفت و گو کرد؟

علم اخلاق، عهده‌دار پاسخ به این پرسش‌ها و مسائل مشابه است. اخلاق هم در راستای پاسخگویی، روایت‌های گوناگونی دارد. در برخی روایت‌های اخلاق، رفتار در مرکز ثقل کنشگر اخلاقی قرار دارد و در روایت‌هایی، ذهن میدان‌دار است. ذهن هم ساحت‌های پیچیده‌ای دارد از حالات هیجانی و عاطفی گرفته تا باور و شناخت و فراشناخت. گفتنی است دو مؤلفه در زیست

اخلاقی بسیار اهمیت دارد: یکی «چه بودن» و شدن‌های وجودی است و دیگری، ارزیابی‌های اخلاقی در مقیاس وسیع که اولی در قالب بررسی‌هایی درباره «من» و دومی در چارچوب «بیکران» صورت‌بندی شده است.

در نگاهی پدیدارشناسانه می‌توان گفت: بیکران، رسالت افق‌گشایی، جهت‌دهی، کشف‌المحجوبی و نجات‌پدیدار را بر عهده دارد که به مدد او می‌توان از تکه‌تکه دیدن پدیدارها به‌طور عام و پدیدارهای اخلاقی به‌طور خاص پرهیز کرد؛ تکه‌تکه دیدنی که پوچ‌گرایی را در پی دارد. بیکران به روایت این کتاب اعلام می‌دارد، هیچ پدیدار منزوی‌ای وجود ندارد و گرداگرد هر پدیدار افقی قرار دارد و این بیکران است که همه را فراگرفته و در دل هر پدیدار حضور متعالی دارد و زمام هر پدیدار به دست اوست: «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس/۸۳).

به نظر نگارنده ناب‌ترین جلوه زیست اخلاقی در پرتو حیات‌بخش بیکران شکل می‌گیرد. در بخش‌های گوناگون این کتاب، بیکران به مثابه قوام و قطب‌نمای زیست اخلاقی مطرح شده است. همچنین برای کنشگری اخلاقی اثربخش، نمی‌توان حصر نظر به رفتار کرد. افزون بر آن، تمرکز بر تغییر یا تصحیح باور و شناخت و انگاره به تنهایی کافی نیست، بلکه باید به مدد بیکران، جهان «من» را تصحیح کرد یا تغییر داد.

این اثر، مشتمل بر دیدگاه‌های نوینی در اخلاق است؛ نگارنده بر پایه شش نوآوری، سعی کرده طرحی برای زیست اخلاقی در جهان معاصر ارائه کند. از سوی دیگر، براساس این نوآوری‌ها، نظریه‌های اخلاقی در حوزه‌های مختلف، نقد و بررسی شد. نوآوری‌های یادشده به این قرار است:

۱. نظریه سلولی اخلاق (براساس سلول‌های متعارف)؛
۲. استعاره مفهومی سلول برای اخلاق (براساس سلول‌های بنیادین)؛
۳. زیست‌نوع‌های انسانی؛
۴. من امتدادیافته؛
۵. جهان من؛
۶. زیست اخلاقی بیکران بنیاد.

زیست اخلاقی بیکران بنیاد، می‌تواند نقش بسیار مهمی در فرهیختگی و بالندگی دانشگاه داشته باشد، به‌ویژه برای دانشگاه در الگوواره فرهنگ. بنابراین دانشگاه در الگوواره فرهنگ دلشوره شهر و مردمان آن و کیفیت زندگی آن‌ها را دارد و این اثر دانشگاهی در همین الگوواره قوام یافته و درصدد است تا در همان هوایی که مردم نفس می‌کشند، تنفس کند و در کنار مردم بماند و پنجره‌ای بگشاید به سوی بیکران. به تعبیری دقیق‌تر، این کتاب درصدد است تا بیان کند در

عمارت شهر، پنجره‌ای رو به دریای بیکران باز می‌شود که ارمغان آن، زیست اخلاقی تمام عیار است. بنابراین این اثر، افزون بر آنکه می‌تواند مرجع تخصصی برای محققان و دانشجویان حوزه اخلاق باشد، برای اثربخشی در کلاس‌های درس، بهسازی زندگی شهری، تعالی تعاملات روزمره فردی و نهادی و اخلاق‌مداری سازمان‌ها مفید به نظر می‌رسد. همچنین مطالعه آن به همه بزرگوارانی که در حوزه تعلیم و تربیت به‌عنوان استاد یا مدیر نقش دارند پیشنهاد می‌شود.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	أ
مقدمه.....	ز
نخست: سر زدن به خود.....	ز
دوم: ساحت‌های اخلاق.....	س
سوم: تحول وجودی.....	ط
چهارم: اخلاق و قانون.....	ع
پنجم: فروکاست‌های اخلاقی.....	غ
فصل اول: من و جهان من.....	۱
مقدمه.....	۱
من کیستم؟.....	۲
جهان من.....	۸
ارتباط جهان‌های من.....	۱۰
جعبهٔ سیاه «من».....	۱۳
سخن پایانی.....	۱۶
فصل دوم: من و بیکران.....	۱۷
مقدمه.....	۱۷

۱۸	«من» امتداد یافته
۲۱	من و دیگری
۲۶	من و بیکران
۳۸	سخن پایانی
۳۹	فصل سوم: زیست نوع‌های انسانی
۳۹	مقدمه
۴۰	وحدت نوعی انسان نزد ارسطو
۴۱	وحدت و کثرت نوعی انسان نزد فخر رازی
۴۲	زیست‌نوع‌های انسانی در حکمت صدرایی
۴۶	زیست‌نوع‌ها و ضعف اراده (آکراسیا)
۵۰	سخن پایانی
۵۳	فصل چهارم: مؤلفه‌های زیست اخلاقی
۵۳	مقدمه
۵۳	جهان من
۵۵	خیرخواهی در نگاه ۳۶۰ درجه
۵۵	شمّ اخلاقی
۵۶	جان مستعد
۵۸	رشد عاطفی به‌همراه رشد عقلانی
۵۸	محیط
۶۱	هماهنگی فضایل اخلاقی با فضایل فکری
۶۱	هماهنگی میان فضایل و سنخ شخصیتی
۶۳	فرونسیس و مرجعیت اخلاقی
۶۹	صورت‌گری و صورت‌شکنی
۶۹	نخست: صورت‌گری جهان اجتماعی
۷۰	دوم: طرح‌واره‌های ذهنی و صورت‌گری و صورت‌شکنی

۷۱	سوم: انگاره و صورت‌گری و صورت‌شکنی
۷۳	سخن پایانی
۷۵	فصل پنجم: زیست اخلاقی عرفان بنیاد
۷۵	مقدمه
۷۵	چه‌هستی اخلاق و زیست اخلاقی
۷۷	طراحی چارچوبی برای زیست اخلاقی عرفان بنیان
۷۸	نخست: فروتنی در قبال همه
۷۸	دوم: ارتباط با بیکران
۷۹	سوم: به رسمیت شناختن دیگری با محوریت اسما
۷۹	چهارم: خیرخواهی مبتنی بر سرّ قدر
۸۰	پنجم: شجاعت و بخشندگی و عذرپذیری
۸۰	ششم: توجه سرّ و فکر به جهان قدس
۸۱	تحلیل اقوال عرفانی در راستای زیست اخلاقی
۸۳	سخن پایانی
۸۵	فصل ششم: نظریه سلولی اخلاق با تأکید بر آرای علامه طباطبایی
۸۵	مقدمه
۸۶	آرای علامه طباطبایی درباره ثبات و تنوع احکام اخلاقی
۹۱	نظریه سلولی اخلاق
۱۰۱	احکام و لوازم نظریه سلولی اخلاقی
۱۰۹	سخن پایانی
۱۱۱	فصل هفتم: اخلاق به مثابه سلول بنیادی؛ طرحی نو برای زیست اخلاقی
۱۱۱	مقدمه
۱۱۳	استعاره و ظرفیت‌های درونی آن
۱۱۴	استعاره‌های نامتعارف

سلول‌های بنیادی	۱۱۶
اخلاق به مثابه سلول	۱۱۸
تشابه هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی در استعاره اخلاق به مثابه سلول	۱۲۱
نخست: تشابه هستی‌شناختی	۱۲۱
دوم: تشابه معرفت‌شناختی	۱۲۳
سخن پایانی	۱۲۷
فصل هشتم: خودگروی؛ معانی، اقسام و جایگاه	۱۲۹
مقدمه	۱۲۹
خودگروی در اخلاق	۱۲۹
الف. خودگروی توصیفی	۱۳۰
ب. خودگروی هنجاری	۱۳۰
جایگاه نظریه خودگروی در میان نظریه‌های اخلاقی	۱۳۲
سخن پایانی	۱۳۵
فصل نهم: تبیین دگرگروی الهی در فلسفه ملاصدرا	۱۳۷
مقدمه	۱۳۷
شواهدی بر خودگروی روان‌شناختی و اخلاقی در فلسفه ملاصدرا	۱۳۸
شواهدی بر موانع دگرگروی الهی در فلسفه ملاصدرا	۱۴۰
مانع: نخست دگرگروی (عدم التفات خدا به مثابه امر عالی به دیگران به‌عنوان امور سافل)	
.....	۱۴۰
مانع دوم: دگرگروی (بازگشت همه غایات فعل به فاعل)	۱۴۳
نقد موانع دوگانه دگرگروی خدا	۱۴۳
نقد مانع نخست دگرگروی	۱۴۴
نقد مانع دوم دگرگروی	۱۴۵
سخن پایانی	۱۴۷
فصل دهم: تبیین دگرگروی بشری در فلسفه ملاصدرا	۱۴۹

مقدمه	۱۴۹
نقد ارجاع همه‌ غایات به فاعل به مثابه قرینه برای خودگروی بر اساس شواهد دگرگروی در	
بحث غایت	۱۴۹
شیوه نخست: ارائه شواهد مخالف	۱۵۰
نخست: مؤلفه محبت	۱۵۰
دوم: مؤلفه عشق	۱۵۰
سوم: مؤلفه فطرت	۱۵۰
نقد «ارجاع همه‌ غایات به فاعل به مثابه قرینه بر خودگروی» با واکاوی ارجاع یادشده .	۱۵۱
الف. تفکیک مقام ثبوت و اثبات	۱۵۲
ب. تفکیک غایت اولی فعل و غایت ثانوی فعل	۱۵۲
ج. تفکیک خودخواهی مذموم و خودخواهی پسندیده	۱۵۵
د. وجود انسان و فضیلت به مثابه امری گشوده به «دیگری»	۱۵۶
سخن پایانی	۱۵۹
فهرست منابع	۱۶۱
واژه‌نامه‌ها	۱۷۳
نمایه	۱۸۱

مقدمه

از زیست اخلاقی تلقی‌های مختلفی وجود دارد. برخی از تلقی‌ها بسیار ساده‌انگارانه است و طیفی، از پشت‌صحنه‌های لازم برخوردار نیست و طایفه‌ای از این تلقی‌ها در فضای فروگامشی و صفر و یکی شکل گرفته‌اند. همه این موارد نیازمند نگاه دوباره و واسازی و آشنایی‌زدایی است. در این بخش، نکاتی در راستای ترسیم دورنمایی از زیست اخلاقی ارائه می‌شود:

نخست: سر زدن به خود

در خلوت، خود را باید شنید. در خلوت، خود را باید دید و مواجهه وجودی برقرار کرد. خود در خلوت‌طلبی دارد، غیر از خود در هیاهو. خود در خلوت رازی دارد، غیر از خود در جلوت. گاهی باید با خود قرار ملاقات بگذاریم و به دیدار خود برویم. با مهربانی با او گپ بزنیم و در تاریکی و روشنایی با او قدم بزنیم. با او در صلح باشیم و مهربان، و خود را از تنهایی درازمدت درآوریم. به نظر می‌رسد تنها موجودی که در عالم می‌تواند به خود سرزند و این سر زدن تحولی در او خلق کند و تعالی معنوی را رقم زند، آدمی است. در سنت عرفانی، این سر زدن با مراقبه محقق می‌شود.

باید صله رحم به‌جا آورد. صله به‌جا آورد میان دل و عقل. صله به‌جا آورد میان عقل و حس. صله به‌جا آورد میان عاطفه و عقل. صله به‌جا آورد میان متناهی و نامتناهی. صله به‌جا آورد میان داشتن و بودن. صله به‌جا آورد میان سر و سرّسر.

تا می‌گوییم «او»، دوباره از خود دور می‌شوم. معلوم است مدت زمان طولانی با این «خود» کاری نداشتیم و مراقبش نبودم و چشم از او برداشتم. چه دنیای عجیبی است که در آن، آدمی خودش را گم می‌کند، ولی در جستجویش نیست، اما دیگری را گم می‌کند و بی‌وقفه در جستجوست!

یکی از وجوه معرفت نفس سر زدن به خود و از احوال «خود» باخبر شدن است. به ظاهر در این زمانه برخی ساختارها، طیفی از برنامه‌ها، طایفه‌ای از سیاستگذاری‌ها و بسیاری از آدم‌ها عزمی ندارند تا آدمی سری به خود زند، اما اصرار و تمایل شدید وجود دارد که خود را به دیگری بنماییم نه خود را بر خود! و تا سخن از سر زدن به خود مطرح می‌شود در آغاز راه پر فراز و نشیب اخلاق قرار می‌گیریم.

پیش از سر زدن به خود، فقط مخالف این بودیم که دیگران برای ما تصمیم بگیرند، اما واکاوی‌های وجودی خودمان، ما را به این نکته رهنمون می‌کند که همواره اموری به مراتب مهلک‌تر از دیگران یا هم‌رتبه با دیگران هستند که در تصمیم‌ها و داوری‌های اخلاقی ما سهمیم هستند بدون آنکه ما از این دخالت آزاده خاطر شویم: این اموری که نباید در تصمیم ما دخالت کنند و تعیین‌کننده تصمیم‌ها باشند عبارتند از: تمایلات، احساسات، امیال، پسندها و آرزوهای ما (هولمز، ۱۳۸۵، ص ۲۵۸).

چگونه می‌توان از اخلاق آدمی سخن گفت اما آدمی را نشناخت و به خویش سر نزد؟ چطور می‌توان درباره فضایل ذهن، کتاب نوشت، اما درباره ذهن سخن نگفت؟ بنابراین برای واسازی پیچ و مهره‌های اخلاق و شناسایی عمیق‌تر آن باید نخست، آدمی را واکاوی کنیم و از رازها و نیازهای او سردرآوریم. به راستی آدمی کیست؟ شاید به نظر رسد این پرسش من کیستم؟ یکی از بدیهی‌ترین پرسش‌هاست پرسشی که در حالت متعارف کسی آن را مطرح نمی‌کند چرا؟ چون بدیهی است و انسان اغلب در پی آشکار شدن بدیهیات نیست، مگر دچار غفلت شده باشد. در حالت غفلت هم با تلنگر کوچکی تنبه حاصل می‌شود و نیازی به تأملات فیلسوفانه و طولانی مدت ندارد.

دوم: ساحت‌های اخلاق

معمولاً اخلاق را به ساحت رفتار منحصر می‌کنند، اما به نظر می‌رسد باید قلمرو اخلاق را از منطقه فراشناخت تا حوزه عمل گسترده دانست و انگاره‌ها، طرح‌واره‌های ذهنی، باور، احساسات، هیجانات، عواطف، خواسته‌ها، رفتارها و گفتارها را حوزه ورود و حاکمیت و مدیریت و برنامه‌ریزی اخلاق تلقی کرد.

اجازه دهید به عنوان نمونه درباره مسئولیت اخلاقی درباره باور صحبت کنیم: اخلاق باور بر این باور است که آدمی نمی‌تواند هر باور و عقیده‌ای را داشته باشد یا بپذیرد یا مبنای عمل قرار دهد. به دیگر سخن عناوین مختلفی همانند رفیق، پدر، رئیس، معلم، دانشجو، کارگر و دشمن بر من